

شاپا چاپی: ۶۹۸۰ - ۲۲۵۱
شاپا الکترونیکی: ۵۲۳۴ - ۲۶۴۵

نشریه علمی
«مدیریت اسلامی»

(تابستان ۱۳۹۸، سال ۲۷، شماره ۲: ۱۷۰ - ۱۴۹)



شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ وقف با رویکرد تحلیل مضمون در آستان قدس رضوی

مرتضی رجوعی **

محسن مرادی ****

سید مرتضی غیور باغبانی *

علی پورنگ ***

هادی نصرآبادی ****

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۵/۱۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

چکیده

وقف به عنوان یکی از مصداقهای مهم خیرات در دین اسلام و ادیان دیگر به شمار می‌رود. وقف همواره پشتوانه نیرومندی برای تأمین زندگی مادی خصوصاً برای مردم کم درآمد و مستضعفان و نیز توسعه فرهنگ دینی، معارف غنی قرآنی و اسلامی و بهبود وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده است. پژوهش در تلاش است با اتخاذ رویکرد کیفی مبتنی بر روش تحلیل مضمون، که به دنبال خروجی مضمونهای پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر مرتبط با مسئله تحقیق است به این پرسش پاسخ دهد که آیا می‌توان عواملی را در گستره سطوح فرهنگ شناسایی کرد که باعث توسعه سنت حسنه وقف در آستان قدس رضوی شود. این پژوهش براساس هدف تحقیق از نوع اکتشافی و چگونگی گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و میدانی است. جامعه آماری تحقیق برای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته شامل استادان، سیاستگذاران، عوامل اجرایی، متولیان و واقفان بودند. نمونه‌گیری به روش گلوله برفی انتخاب شد و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA صورت پذیرفت که در مجموع ۷۵ مضمون پایه و ۱۳ مضمون سازمان‌دهنده ذیل سه مضمون فراگیر ظواهر، ارزشها و باورها استخراج شد. در سطح باورها سه مقوله عامل ایجاد گفتمان وقف، اعتمادسازی و بسترسازی و در سطح ارزشها نیز سه مقوله تکریم واقفان، تقویت ارزشهای اجتماعی دینی و توسعه وقف مشارکتی و در سطح ظواهر و مصنوعات هشت مقوله تخصصی کردن مقوله وقف، سیاستگذاران و مجریان، گسترش شکلی و زمینه‌های وقف، حذف موانع و تنگناهای وقف، بازسازی موقوفات، اطلاع‌رسانی و تبلیغات شناسایی شد.

کلیدواژه‌ها: توسعه فرهنگ وقف، پیشفرضها و باورها، ارزشها، ظواهر و مصنوعات

* استادیار گروه مدیریت دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

s.ghayour@gmail.com

** استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

mortezarojui@gmail.com

*** نویسنده مسئول: گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد،

esfahan685@yahoo.com

ایران

**** گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

momoradi2010@yahoo.com

***** کارشناسی ارشد گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

energybinahayat@gmail.com

مقدمه

سنت حسنه وقف به‌عنوان یکی از مؤثرترین راه‌های همیاری در طول تاریخ، همواره پشتوانه اقتصادی اهداف متعالی انسانی در جوامع بشری بوده است؛ ولی با ظهور و گسترش اسلام که مؤسس یا مؤید تمام نیکی‌ها و روشهای پسندیده بود، این سیره نیکو نیز به‌عنوان برجسته‌ترین مصداق صدقات و نمونه اجرای احسان رونقی بسیار گرفت تا آنجا که بتدریج، یکی از بزرگترین منابع گسترش رفاه اجتماعی و رفع فقر در سایه نشر و ترویج فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌رود (صفایی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۰). با نهاد وقف، که در آن مالکیت خصوصی به‌نوعی مالکیت عمومی تبدیل می‌شود، مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی ایجاد می‌شود. علاوه بر این، وقف در مفهوم شهرنشینی جوامع از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی به‌شمار می‌آید و نقش قابل توجهی در برجستگی دینی، تاریخی و اقتصادی شهرها دارد و توسعه را همراه با عدالت اجتماعی به‌همراه خواهد آورد (عرب، ۱۳۸۵: ۱۰۹). اشتراک‌گذاری منابع وقفی بیشترین کمک را به اهداف توسعه اجتماعی و کاهش فاصله‌های طبقاتی کرده و در واقع به‌نوعی به بیمه و امنیت اجتماعی کمک کرده است. بروز تخلفات و جرائم در این عرصه اعتماد اجتماعی را کاهش می‌دهد و باعث کاهش رونق وقف می‌شود. عدم حس عدالت اجتماعی از مهمترین عوامل بازدارنده مشارکت اجتماعی در به اشتراک‌گذاری دائم منابع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی آنهاست (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲). به‌طور غیرمستقیم در قرآن و به‌طور مستقیم در سیره پیامبر(ص) و ائمه(ع) به وقف توجه فراوان شده است. از نظر اسلام وقف راهگشای رفع محرومیت‌های مادی و معنوی جامعه و یادگار جاودانه‌ای از کرامت انسان به پیشگاه بشریت و پیوند با آفریدگار متعال است. قرآن در توسعه فرهنگ وقف در جامعه اسلامی تأثیر محتوایی و موضوعی داشته است. هم‌چنین رفتار و شیوه پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) به صورت قول یا فعل در رواج و گسترش وقف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌موجب تأکیدی که آن بزرگواران به وقف داشتند، مسلمانان بخشی از امکانات مالی خود را وقف کردند و عمل آنها به وقف نیز بر فرد مسلمانان تأثیر گذاشت (بزرگی، ۱۳۷۹: ۱۰۷). مهمترین تفاوت وقف با صدقات موقت، پایدار بودن و ماندگار بودن آن است (سیدحسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۷). موقوفات به‌عنوان بخشی از سرمایه‌های اقتصادی جامعه می‌تواند بسیاری از نیازهای مادی جامعه بویژه محرومان و فقرا و

مستمندان را برطرف کند (فلاح، ۱۳۹۰: ۵۶). بدیهی است که در این صورت وقف دارای نوعی آثار پیامدی مثبت خواهد بود که برای گسترش رفاه عمومی و افزایش کارایی اقتصادی بسیار ارزشمند است (کونولی^۱، ۱۹۹۹: ۳۷). در فرهنگ دینی، پدیده وقف درست در نقطه مقابل فقر قرار دارد. با گسترش وقف پول، میزان فقر و محرومیت در جامعه کاهش می‌یابد؛ زیرا وقف یکی از راه‌های جلوگیری از تراکم ثروت به‌شمار می‌رود. با از بین رفتن تراکم ثروت، سرمایه جامعه در اختیار همگان قرار می‌گیرد و با بهره‌مند شدن همگان از امکانات رفاهی و اقتصادی، زمینه تکامل در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز فراهم می‌شود (دادگر و سعادتفر، ۱۳۸۶: ۱۲۰). از آنجا که وقف مطلوب دین، تشخیص نیازهای جامعه و رفع نیاز مستضعفان و محرومان به‌صورت درونزا و توسط افراد خیر از طریق ایجاد موقوفات متناسب است، مهمترین راه برگرداندن وقف به جایگاه اصلی و کاراتر شدن آن در جامعه جهتدهی و آگاهی‌دادن به واقفان توسط دولت در راستای برآورده ساختن مشکلات و نیازهای واقعی اجتماع است. ضمناً سیاستهای حاکم بر جامعه نیز به تقویت و گسترش وقف دامن می‌زند (دهقان، ۱۳۸۴: ۱۶). تنها در این صورت است که آثار مبارک وقف در جامعه ظاهر می‌شود و نظام اسلامی راه رشد و توسعه و سعادت را طی خواهد کرد. موقوفات نیز، که جوشیده از همت والای انسانهای نیکوکار جامعه است از مؤثرترین ابزارهای تأمین رفاه مردم و پوشش‌دهنده کاستی‌ها و کمبودهای دولت است. در حال حاضر، موقوفات در کشور ما حجم عظیمی از منابع را به خود اختصاص می‌دهد. موقوفات عظیم آستان قدس رضوی در شهرها و مناطق مختلف، تنها نمونه‌ای از حجم زیاد وقف در کشور است. به‌رغم این ظرفیت زیاد و همان‌طور که واقعیت اقتصاد ایران نشان می‌دهد در حال حاضر، وقف در کشور، دیگر آن کارایی و جایگاه فعال و مؤثری را ندارد که در تاریخ اسلام و ایران (بویژه در برخی دوره‌ها) در جهت حل مشکلات اقتصادی به‌عهده داشت. مسلماً یکی از دلایل مهم این واقعیت، اداره سنتی و غیرعلمی داراییهای وقف‌شده و استفاده نکردن از ظرفیتهای بالقوه این نهاد تاریخی در جهت تأمین اهداف اسلامی است (مصباحی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۱). از سوی دیگر مقام معظم رهبری در حکم ابلاغ تولید آستان مقدس رضوی، افقها و مأموریت‌های جدید پیش روی این مجموعه را در قالب منشور هفتگانه به مثابه سند بالادستی، رسالتی خطیر و مهم برای این مجموعه

ترسیم کردند. براساس منویات منشور هفتگانه مقام معظم رهبری بویژه بندهای دو^۱، سه^۲ و شش^۳ رسالت عظیم و رئوس برنامه‌های آستان قدس رضوی مبنی بر رسیدگی به وضع ضعفا و اولویت در رفع نیاز مستمندان و تهیدستان جامعه بویژه حاشیه‌نشینان تعیین شده است (حکم انتصاب تولیت آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴). اگر پیگیری و تحقق این امور بر موقوفات کنونی مبتنی باشد، لازم است تا مصرف عواید آنها دقیقاً براساس نیت واقفان تنظیم شود در حالی که پاسخگویی به نیازهای جدید و اولویتهای مورد نظر در خدمت‌رسانی به مستمندان و محرومان نیازمند توجه به زمینه‌های جدید و مؤثری است که پیش نیاز آن توسعه فرهنگ وقف است. تحقیق بر آن است که با شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ وقف با رویکرد تحلیل مضمون در آستان قدس رضوی، الگوی مشتمل بر این عوامل را ارائه کند. واضح است که توسعه دربرگیرنده مفهوم تغییر است، آن هم تغییری که شمولیت را افزایش دهد و به دلیل اینکه توسعه در فرهنگ ریشه دارد و از مقوله فرهنگ وقف است و با توجه به اینکه تغییر و توسعه در هر سطح، شرایط و روشهای خاص خودش را می‌طلبد، مسئله تحقیق این است که آیا می‌توان عواملی را در گستره سطوح فرهنگ شناسایی کرد که باعث توسعه فرهنگ وقف شود و با چه راه‌ها و عواملی می‌توان وقف را به‌طور مطلوب در جامعه نهادینه کرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تعریف، انواع و تاریخچه وقف

وقف در لغت به صورت‌های گوناگونی تعریف شده که قدر جامع همه آنها به معنای ایستادن، درنگ کردن و حبس کردن است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶۲). وقف از یک جهت به وقف عام و خاص، تقسیم می‌شود: الف) وقف عام، وقفی را گویند که در مورد جهات عامه باشد؛ مثل مساجد، مدارس و هرچه از این قبیل باشد. ب) وقف خاص، وقفی است که به افراد معینی

۱. خدمت به زائران آن بارگاه مقدس بویژه ضعفاء و نیازمندان را از رئوس برنامه‌های خود قرار دهید.

۲. خدمت به مجاوران و بویژه مستمندان و مستضعفان وظیفه دیگری است که شایسته است به آن اهتمام ورزید.

۳. حفاظت از موقوفات و بهره‌گیری بهینه از آن در مصارف خود که متولی فقید بدان اهمی ویژه داشتند و بویژه بهره‌مند ساختن تهیدستان نقاطی از کشور که آن موقوفات در آن قرار دارند بر حسب گنجایش وقفنامه‌ها نیز وظیفه بزرگ دیگری است.

اختصاص داشته باشد؛ مثل وقف بر اولاد و احفاد (ریاحی سامانی، ۱۳۸۸: ۵۶). در جامعه اسلامی، نهاد وقف، پیشینه دیرینه‌ای دارد. گفته می‌شود که اولین موقوفه در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) به وجود آمده است (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۳۲). نهاد وقف، که پیش از آمدن اعراب به ایران نیز به صورت‌های گوناگون و از جمله زمین‌های واگذاری به پرستشگاه‌ها و حوزه‌های تحقیقی علمی وجود داشته، تغییراتی به خود دیده و به صورت سازمان نگهداری ضیاع و عقار و صیانت متعلقات درآمده است (نادعلی، ۱۳۹۱: ۲۵).

اثر اقتصادی وقف

اسلام برای تأمین عدالت اجتماعی، هم مسلمین و هم دولت اسلامی را مکلف کرده تا با اجرای دستورهایی که شارع مقدس داده است، نسبت به رفع فقر و محرومیت در جامعه اقدام کنند. اسلام افراد را در مقابل یکدیگر مسئول اعلام کرده و بر آوردن نیازهای نیازمندان را وظیفه آنها دانسته و در آیات و روایات مختلفی آنان را به صدقه و انفاق در حق دیگران سفارش کرده است که این امر در دولت اسلامی به شیوه‌های مختلف نظیر مالکیت‌های دولتی مثل انفال یا مالکیت‌های ثابت مانند خمس، زکات و غیر ثابت مانند انفاقات و صدقات و یا از طریق هدایت و دخالت دولت در کارهای اقتصادی صورت می‌گیرد. واقعیت این است که می‌توان سرمایه‌های عظیم وقف را نیز همانند دیگر سرمایه‌ها با رعایت همه جوانب وقف، موازین شرع و اهداف واقفان در جریان فعالیت‌های تولیدی و خدماتی قرار داد و آنها را از حالت رکود به حالت تحرک و پویایی هدایت کرد تا به این وسیله به رشد، توسعه و استقلال اقتصادی (و سیاسی) کشور کمک شایان و قابل توجهی شده باشد و هم‌چنین بر سرمایه‌های اوقاف افزوده شود که این امر یقیناً در راستای اهداف واقفان است (حائری یزدی، ۱۳۷۸: ۲۶۷).

اثر اجتماعی وقف

فقر یکی از موانع عمده پیشرفت و سعادت انسان و به فعلیت رسیدن قوه‌ها و استعدادهایی است که خداوند متعال برای دستیابی انسان به کمال مورد نظر، که غرض آفرینش انسان بوده به او داده است. مطالعه اجمالی تاریخ وقف این حقیقت را روشن می‌کند که نخستین انگیزه‌های واقفان برای مبادرت به وقف، نابودی فقر و محرومیت از جامعه مسلمین (که از رئوس برنامه‌های آستان قدس رضوی مبنی بر بندهای ۲ و ۳ و ۶ منشور هفتگانه مقام معظم رهبری) بوده است. از متون اسلامی هم بخوبی روشن است که اسلام، خواهان زدودن همه جوانب و زوایای فقر در جامعه و

به دنبال رفاه عمومی در حد معقول و مشروع است. به هر حال باید با استفاده از ابزار مختلف و شیوه‌های گوناگون و مناسب، مردم را تشویق کرد تا در مسیر وقف حرکت کنند و کسانی که توانایی دارند با وقف قسمتی از اموال خود به این امر اسلامی - انسانی کمک کنند. هم‌چنین دولت باید در کنار تشویق و ترغیب مردم به وقف اموال خود جهت موقوفات را به سمت نیازهای ضروری جامعه و تهیدستان هدایت کند (میرافخمی، ۱۳۸۳).

پیشینه پژوهش

درباره وقف و مطالب مربوط به آن تحقیقاتی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از مقالات و مطالب مرتبط با وقف اشاره می‌شود. مرکزی امیدوار (۱۳۹۴) در تحقیق خود نشان داد که نگرش کلی، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری ادراک شده شهروندان منطقه ثامن بر تمایل رفتاری آنان نسبت به وقف اثرگذار است. هم‌چنین، داری‌پور و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی تأثیر شاخصهای اشتغال، اجتماعی، امنیت، خدمات دولت، جریان پول و کالا و تشکیل سرمایه بر نهاد وقف نشان دادند که تأثیر وقف در اولویت اول منطقه یک اهواز بر تشکیل سرمایه و تأمین اجتماعی و در اولویت آخر بر جریان کالا و پول و شاخص امنیت اقتصادی است و عامل وقف بر توسعه اقتصادی منطقه اثر زیادی دارد. سیدحسینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با بهبود بهره‌وری روشهای مدیریت در سازمان اوقاف و اثر آن بر افزایش بهره‌وری در حوزه وقف دریافتند که بهبود روشهای مدیریتی فعلی حاکم بر اموال موقوفه در سازمان اوقاف بر میزان بهره‌وری در حوزه وقف اثرگذار است. قربانی (۱۳۹۲) اظهار کرد که عدم حس عدالت اجتماعی را از مهمترین عوامل بازدارنده مشارکت اجتماعی در به اشتراک‌گذاری دائم منابع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی می‌شمارد و شرط اول مشارکت را اعتماد و شرط اول اعتماد را حس عدالت می‌داند. در مطالعه دیگری، مرادیان (۱۳۹۲) به ضرورت تأسیس مراکز تحقیقاتی فعال برای گسترش آموزش فرهنگ وقف در جامعه و تغییر دیدگاه‌های خیران تأکید بسیار کرد. نادعلی (۱۳۹۱) در تحقیقی، مهمترین عاملی را که باعث توسعه وقف و ایجاد ۶۰۰۰ موقوفه در شاهرود شده است، اعتقادات قلبی مردم به مذهب و علاقه شدید ایشان به ائمه معصومین (ع) و برگزاری و زنده نگهداشتن نام و یاد آنها بویژه قیام عاشورا و توسل به امام حسین (ع) می‌داند. مصباحی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود به امکان‌سنجی پرداختن به وقف به‌عنوان منبع مالی خرد اسلامی پرداختن و الگویی برای تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد وقفی در کشور ارائه کردند. آنان دریافتند که نهاد وقف در

اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی - اقتصادی را دارد که به عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد در نظر گرفته شود. حاجی ده آبادی (۱۳۸۸) جایگاه نهاد وقف و ترویج فرهنگ وقف را بسیار مهم در پیشگیری از جرم و بزهکاری بیان، و کارکردهای بسیاری را از این نهاد عنوان می‌کند؛ از جمله اینکه وقف فقط به پیش از وقوع جرم محدود نمی‌شود، بلکه پس از وقوع جرم نیز نقش آفرینی مؤثری در کاهش جمعیت کیفری، سازش دادن بزهکار و بزه‌دیده و ایفای نقش ترمیمی یا حتی اصلاح و درمان مجرمان دارد. دادگر و سعادت‌نفر (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان امکان‌سنجی وقف پول به مباحثه اولیه و طرح موضوع پرداختند و سپس استدلال موافقان و مخالفان وقف پول را بررسی، و در پایان توصیه‌های سیاستی ارائه کردند.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق کیفی فرایندی است از تحقیق، که داده‌ها را از زمینه‌ای که رویدادها در آن رخ می‌دهد، استخراج، و تلاش می‌کند این رویدادها را از طریق فرایندی که در آن، جاسازی شده است و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در آنها را وصف و از ابزار استنتاج برای ایجاد تبیین‌های ممکن براساس پدیده مشاهده شده، استفاده کند (خنیفر و زروندی، ۱۳۸۹: ۲۴۶)؛ بدین منظور در تحقیق برای پاسخ به سؤالات تحقیق از روش تحلیل مضمون^۱ و شیوه مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شده است. تحلیل مضمون یکی از روشهای تحلیل کیفی است که براساس آن متن مصاحبه‌های کیفی کاهش می‌یابد و بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص، و سپس به گونه‌ای بازسازی می‌شود که مفاهیم مهم درون مجموعه‌ای از داده‌ها استخراج شود (عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). تحلیل مضمون برخلاف دیگر روشهای پژوهش کیفی مانند پدیدارشناسی تفسیری نظریه داده‌بنیاد، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا به چارچوب نظری که از قبل وجود داشته باشد، وابسته نیست و لذا از آن می‌توان در چارچوبهای نظری متفاوتی استفاده کرد (البته نه در همه چارچوبها) و هم‌چنین می‌توان از آن برای کارهای مختلف بهره گرفت (موسوی‌داودی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰). واحد تحلیل در روش تحلیل مضمون برخلاف روش تحلیل محتوا - که بیشتر بر سطوح خردتر تمرکز دارد و معمولاً به بافت داده‌ها توجه نمی‌کند یا بسیار کم توجه می‌کند و این امر باعث می‌شود غنای

داده‌ها بشدت کاسته شود و غالباً فراوانی داده‌ها را نشان می‌دهد و امکان تحلیل کمی داده‌های کیفی را فراهم می‌کند. بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آنها بیشتر توجه می‌شود. هم‌چنین تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح افکار صریح و ضمنی تمرکز می‌کند؛ سپس از شناسه‌های مضمونهای اصلی برای تحلیل عمیقتر داده‌ها استفاده می‌شود (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳). شناخت مضمون، یکی از مهمترین و حساسترین کارها در تحقیقات کیفی است و به عبارتی، قلب تحلیل مضمون است. شعور متعارف، ارزشهای محقق، جهتگیریها و سؤالات پژوهش و تجربه محقق درباره موضوع در چگونگی شناخت مضمونها تأثیرگذار است. از آنجا که تحلیل مضمون تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و سریعی برای این وجود ندارد که مقدار داده‌های مناسب و مورد نیاز - که بر وجود مضمون یا اطلاق آن دلالت کند - چقدر است. بنابراین، مضمون، لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد (عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۱). طبقه‌بندی مضمونها براساس جایگاه مضمون در شبکه مضمونها است که آنها را در سه دسته قرار می‌دهد: مضمونهای پایه که مبین نکته مهمی در متن است. مضمونهای سازمان‌دهنده که واسطه مضمونهای فراگیر و مضمونهای پایه شبکه است و از ترکیب و تلخیص مضمونهای پایه به دست می‌آید و مضمونهای فراگیر که در کانون شبکه مضمونها قرار می‌گیرد و مضمونهای عالی است که دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان کل است (آتراید استرلینگ^۱، ۲۰۰۱). مراحل تحلیل مضمون عبارت است از: ۱. آشنا شدن با داده‌ها (پس از مطالعه متن، افکار خوبی درباره شناسه‌گذاریها و الگوها در ذهن محقق شکل می‌گیرد). ۲. ایجاد شناسه‌های اولیه و شناسه‌گذاری (در شناسه‌گذاری، بخشهایی از داده‌ها از بافت اصلی خود جدا، و به روشی برچسب زده می‌شود که همه داده‌های دارای یک برچسب واحد را بتوان بازیابی، و با یکدیگر بررسی کرد). ۳. جست‌وجو و شناخت مضمونها (در این مرحله، شناسه‌ها تجزیه و تحلیل و به چگونگی ترکیب و تلفیق شناسه‌های مختلف برای تشکیل مضمون پایه، توجه می‌شود). ۴. ترسیم شبکه مضمونها (این مرحله وقتی شروع می‌شود که محقق، مجموعه‌ای از مضمونها را پیشنهاد و بخواند آنها را پالایش کند. مضمونهای شناخته، منبع اصلی تشکیل شبکه‌های مضمونها است). ۵. تحلیل شبکه مضمونها (هنگامی که محقق به شبکه مضمونهای رضایت‌بخشی دست یابد در این مرحله

شبکه‌های مضمونهای ترسیم‌شده بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود). ۶. تدوین گزارش (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۲ - ۱۷۹).

جامعه آماری تحقیق را استادان، سیاستگذاران، عوامل اجرایی، واقفان، متولیان و خبرگان در حوزه وقف تشکیل داده بودند. معیار خبرگان در این تحقیق کسانی بودند که در یکی از مؤسسات و یا سازمانهای امور وقف و موقوفات، سمت شغلی مستقیم و کاملاً مرتبطی داشتند (چهار نفر) و یا اندیشمند، مدرس و صاحب‌نظر و عضو کمیسیونهای مرتبط با وقف بوده‌اند (پنج نفر). هم‌چنین بعضاً کسانی بودند که خودشان از واقفان خوش‌فکر و سرشناس به‌شمار می‌رفتند در تحقیق مدنظر قرار گرفتند (سه نفر). نمونه‌گیری در این تحقیق به‌صورت هدفمند از نوع غیراحتمالی با روش گلوله برفی بوده است؛ بدین ترتیب که پس از شناسایی اعضای نمونه، مورد بعدی مصاحبه از مصاحبه شونده قبلی شناخته می‌شود تا گلوله برف بزرگتر شود؛ این مسیر تا زمانی دنبال می‌گردد که پژوهشگر در دستیابی به داده‌ها و مضمونها به اشباع نظری برسد و اطلاعات و داده‌های غیر تکراری در مصاحبه‌های بعدی به‌دست نیاید.

قابلیت اعتماد پژوهش

به‌منظور تعیین اعتبار داده‌ها در پژوهش از بررسی مداوم داده‌ها، تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری آن، مرور شناسه‌های استخراج شده توسط مشارکت‌کنندگان، بررسی روند تجزیه و تحلیل داده‌ها با دو تن از پژوهشگران تحقیق کیفی و درگیری مداوم و طولانی‌مدت با داده‌ها استفاده شد. در پژوهش برای افزایش اعتبارپذیری داده‌ها از ذی‌نفعان مختلف و با دیدگاه‌ها و منافع متفاوت به‌منظور دریافت داده‌ها و مصاحبه استفاده شد. هم‌چنین مصاحبه‌های عمیق و باز از سوی حداقل دو پژوهشگر بررسی شد و مفاهیم استخراج و مقابله صورت گرفت.

استفاده از منابع مکمل نیز یکی دیگر از روشهای افزایش اعتبارپذیری در پژوهش است (فیضی و سرکیسیان، ۱۳۸۷) که پژوهشگر با مراجعه به تحقیقات علمی و مقالات و کتابهای مختلف درباره موضوع پژوهش به غنای داده‌ها و افزایش اعتبار آنها افزود. هم‌چنین، پژوهشگر با بیان مفاهیم مصاحبه‌های مختلف نزد پژوهشگران دیگر و هم‌چنین درخواست بررسی متن مصاحبه‌ها توسط پژوهشگران دیگر، سوگیریهای احتمالی خود را پایش کرده و از اعتبار داده‌های مصاحبه‌ها و استخراج مفاهیم و مقوله‌ها اطمینان حاصل کرده است. در این پژوهش نیز هرگاه محقق با مصاحبه در هر مرحله و گردآوری داده‌ها و سپس تحلیل آنها به‌مفاهیمی دست یافت، مفاهیم را با

مصاحبه‌شوندگان در میان نهاد و صحت برداشتهای خود را از بیانات آنان راستی‌آزمایی کرد و در نهایت نیز ظهور مقولات و سازه‌نهایی را با مصاحبه‌شوندگان به مشارکت نهاد و از ایشان نظرسنجی شد.

یافته‌های پژوهش

طی فرایند مصاحبه، بازبینی‌ای از موارد مصاحبه و زمینه‌های مورد بررسی در اختیار پژوهشگران قرار گرفت تا فرایند مصاحبه پیوسته و صحیح کنترل شود. مصاحبه‌های ضبط‌شده، پیاده، دسته‌بندی و سازماندهی شد. طی فرایند پیاده‌سازی، محتوای مصاحبه‌ها توسط یادداشتهای برداشته شده در خلال جلسات مصاحبه تکمیل شد. پس از آماده‌سازی محتوای مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده‌ها براساس اهداف تحقیق مقوله‌بندی شد و مورد تفسیر قرار گرفت. در این مرحله با مطالعه دقیق مصاحبه‌های پیاده شده در ابتدا برای هر یک از متون، تمامی افکار مستقل مفاهیم و نکات کلیدی و مهم به‌عنوان مضمونهای پایه شناسایی شد.

جدول ۱. نمونه‌ای از مضمونهای مستخرج از متن مصاحبه‌های پیاده شده

شناسه مضمون پایه	مضمون پایه	متن مصاحبه پیاده شده	شناسه مصاحبه‌شونده
B7	پذیرش وقف به‌عنوان سازوکار برتر تأمین مالی در ساختار اقتصادی	می‌توان با فرهنگ‌سازی وقف به‌عنوان رکنی اساسی در اقتصاد جامعه، آن را سازوکاری برتر در تأمین مالی در ساختار اقتصادی کشور معرفی کرد. در این رابطه	B
B8	ایجاد و توسعه مؤسسات مالی وقف	می‌توان با ایجاد و توسعه مؤسسات مالی وقف به تجمیع موقوفات خرد و جاری کردن آنها در ساختار تحول اقتصادی کمک کرد.	
D3	آسان‌سازی وقف (اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌ها)	به‌منظور ترویج وقف آسان باید تلاشهای زیادی انجام شود به‌گونه‌ای که همه اقشار جامعه در هر سطح اقتصادی بتوانند در سنت حسنه وقف مشارکت جویند. در این رابطه می‌توان با اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های وقف، زمینه حضور بیشتر اقشار مختلف مردم را در این امر خداپسندانه فراهم کرد تا پذیرش و تجمیع وقفهای کوچک نیز امکانپذیر شود.	D
D4	پذیرش وقفهای کوچک		
D5	تجمیع وقفهای کوچک		
A5	امانتداری موقوفات	تشکیل هیأت امنای بنیادهای وقفی در سطح کشور متشکل از شخصیت‌های محلی و واقفان یا وراث ایشان برای نظارت بر حسن اجرای قوانین اوقاف، عدم تمرکزگرایی و نیز امانتداری موقوفات و پایبندی به نیت واقفان	A
A6	پایبندی به نیت واقف		
A7	عدم تمرکزگرایی در موقوفات		

در ادامه مقوله‌هایی که بار معنایی مشابهی داشت و مفهومی یکسان را به ذهن متبادر می‌کرد ذیل یک مقوله انتزاعی و کلی‌تر قرار گرفت؛ به عبارتی دیگر با دسته‌بندی، ترکیب و تلخیص مضمونهای پایه، تعدادی مضمون سازمان‌دهنده که می‌توانست گویای ویژگیهای گروهی بخشی از مضمونهای پایه باشد، ظهور یافت. جدول ۲ مضمونهای سازمان‌دهنده به همراه مضمونهای پایه‌ای که این مضمونها را متبلور کرد در قالب ۷۵ مضمون پایه و ۱۳ مضمون سازمان‌دهنده نشان می‌دهد.

جدول ۲. مضمونهای سازمان‌دهنده به همراه مضمونهای پایه

مضمونهای سازمان‌دهنده	مضمونهای پایه
تبلیغات در زمینه وقف	استفاده از ظرفیت ائمه جماعات و جمعه درسخترانیها
	رسانه‌ای کردن وقف
	نصب پلاکارد بر سر در موقوفه
	مجله و روزنامه و کتاب
	ساخت فیلم و کلیپ
	نامگذاری خیابانها به نام واقف
	ساخت و نصب ماکت
	نصب عکس واقفان بر موقوفه‌ها
	برگزاری مراسم یادبود برای واقفان
اعتمادسازی	ایجاد اطمینان به متولیان و کارمندان وقف
	ارائه اختیارات تام به واقف
	صرف عواید وقف در نیت واقف
	امانتداری موقوفات
	پایبندی به نیت واقف
	ایجاد اعتماد مردم به یکدیگر
	پرهیز از خودمحوری و فردگرایی و تقویت جمع‌گرایی
	مشاهده گره‌گشایی مشکلات مستمندان
	راستی و صداقت متولیان در عمل به وقف
اطلاع‌رسانی در مورد وقف	ارائه اطلاعات در مورد شکل و ماهیت وقف
	ارائه اطلاعات در زمینه انواع و اشکال وقف
	ارائه اطلاعات درباره نیازهای مردم
	ارائه اطلاعات در زمینه احکام و فواید وقف
	ارائه اطلاعات درباره آثار و برکات وقف
	ارائه اطلاعات در مورد مصارف وقف
	ارائه اطلاعات در زمینه چگونگی وقف (مراحل انجا دادن وقف)
	ارائه اطلاعات در زمینه هزینه‌ها و درآمدهای وقف
	ارائه اطلاعات در مورد کارکردهای دینی، فرهنگی، علمی، تحقیقی، درمانی، عمرانی و غیره وقف

ادامه جدول ۲. مضمونهای سازمان‌دهنده به همراه مضمونهای پایه

مضمونهای سازمان‌دهنده	مضمونهای پایه
سیاستگذاران و مجریان (کارمندان، مسئولان و متولیان وقف)	تغییر نگاه عوامل اجرایی از نگاه اقتصادی به فرهنگی
	هدم‌نبودن نهادهای متولی وقف
	برنامه‌مند بودن
	رفتار و کردار متولیان وقف
	استفاده از اشخاص متعهد و متخصص و دلسوز
	حذف نگاه‌های تنگ‌نظرانه برخی مسئولان
حذف موانع و تنگناهای وقف	جلوگیری از ایجاد مدیریت شبه عمومی (دولتی)
	تبیین مبانی حقوقی و فقهی وقف
	آسان‌سازی وقف (اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌ها)
	عدم تمرکزگرایی در موقوفات
	همراهی و همدلی نهادهای متولی وقف
	جلوگیری از ایجاد کاسبی و تصدی‌گری در وقف پول
	دوری از موازی‌کاری (اداره چند مدیریتی)
حذف دخالت‌های نابه‌جای برخی نهادها	
تکریم واقفان	بزرگداشت و تجلیل از واقفان
	الگوسازی واقفان
	حمایت و نصرت واقفان
تخصیصی کردن وقف	ایجاد دفترهای پذیرش وقف در حرم و در سطح شهرها
	تشکیل انجمن‌های مرتبط با وقف
	برگزاری همایش، سمینار و غیره با موضوع وقف
	برگزاری نمایشگاه‌های وقف
	حمایت از تحقیقات و مطالعات در زمینه وقف
بازسازی موقوفات	ایجاد شبکه رسانه‌ای با موضوع وقف
	رسیدگی به موقوفات
	بازدید از موقوفات
بسترسازی وقف	رفع مشکلات فیزیکی و ظاهری موقوفات
	پذیرش وقف به‌عنوان سازوکار برتر تأمین مالی در ساختار اقتصادی
	پذیرش سرمایه‌گذاری در مؤسسات مالی وقف به‌عنوان عمل خیر
	بستر اعتقادی برای پذیرش ثمرات دنیوی و اخروی وقف

ادامه جدول ۲. مضمونهای سازمان‌دهنده به همراه مضمونهای پایه

مضمونهای سازمان‌دهنده	مضمونهای پایه
گسترش شکلهای و زمینهای وقف	توسعه وقف اموال غیرمنقول
	تغییر جهات و مصداقهای وقف
ایجاد گفتمان وقف	بحث و گفتگو در مورد وقف در محافل عمومی
	سخنرانی نخبگان علمی و فرهنگی و مذهبی و غیره در ارتباط با وقف در اماکن و مناسبتها
	تقویت میل به جاودانگی (جاودانه شدن نام و عملکرد)
	تقویت باورها و اعتقادات دینی بویژه در نسل جدید
	اختصاص کتابهای درسی به موضوع وقف در دوران تحصیل
	اختصاص واحد درسی در دانشگاه‌ها با موضوع وقف
تقویت ارزشهای اجتماعی و دینی	ترویج، تبیین و انتقال آموزه‌های قرآنی و معارف دین اسلام و سیره اهل بیت علیهم السلام بین افراد جامعه
	توجه ویژه به مسائل نیازمندان و کمک به محرومان جامعه
	عدم تعدی در اموال موقوفه
	الگوسازی رفتار پیامبران الهی و امامان بویژه برای نسل جوان
	اخلاص در نیت
	اخلاص در عمل
	تقویت اعتقاد به روز رستاخیز
	ترویج ارزشها و هنجارهای صحیح اجتماعی
توسعه وقف مشارکتی (جمعی)	تجمیع وقفهای کوچک
	ایجاد و توسعه مؤسسات مالی وقف
	پذیرش وقفهای کوچک

مضمونها یا الگوهای داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی (مبتنی بر داده) یا روش قیاسی (مبتنی بر نظریه) شناخت. در روش استقرایی، مضمونهای شناخته بشدت با خود داده‌ها مرتبط است. این روش تحلیل مضمون تا حدودی شبیه نظریه داده‌بنیاد است. در این روش، فرایند شناسه‌گذاری داده‌ها بدون تلاش برای انطباق آن با چارچوب شناسه‌گذاری از قبل تهیه شده (یا قالب مضمونها) صورت می‌گیرد. در روش استقرایی، تحلیل مضمون براساس داده‌ها انجام می‌شود. در روش

قیاسی، تحلیل مضمون براساس علاقه نظری یا تحلیلی پژوهشگر به موضوع صورت می‌گیرد؛ لذا این روش بیشتر بر فرد تحلیلگر مبتنی است. محقق در این روش، شناسه‌ها را براساس نظریه مشخصی انتخاب می‌کند و نشانه‌ها، شاخصها و شواهدی را می‌شناسد که با این نظریه، حمایت می‌شود و شناسه‌گذاری می‌کند. بررسی ادبیات نظری، درک مناسبی برای شناخت مضمونها فراهم می‌کند. شناسه‌هایی را که دیگر پژوهشگران به کار برده‌اند و نتایج تحقیقات آنها به توسعه شناسه‌ها در روش مبتنی بر تحقیقات گذشته، مستقیماً کمک می‌کند (عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۵).

در این پژوهش نیز پس از طی فرایند تحلیل مضمون، پژوهشگران به شبکه‌هایی از مفاهیم با سطح‌بندی (برخی از مضمونهای مهمتر که انتزاعی‌تر هم هست در جایگاه مرکزی قرار می‌گیرد و دیگر مضمونهای پیرامون این مضمونهای اصلی، سازمان می‌یابد) دست یافتند. با بررسی الگوهای ادبیات نظری پژوهش، مضمونهای فرایند تحلیل مضمون در تحقیق به سطوح سه‌گانه الگوی فرهنگ شاین (۱۹۹۰) نزدیک تشخیص داده شد؛ بنابراین مضمونهای فراگیر در شبکه مضمونهای پژوهش با سطوح سه‌گانه الگوی شاین متناظر در نظر گرفته شد؛ به عبارت دیگر، مضمونهای تبلور یافته پژوهش با سطوح سه‌گانه الگوی شاین درباره فرهنگ قربت بسیار زیادی دارد. شاین، روانشناس اجتماعی یک نظریه پرنفوذ فرهنگی را مطرح کرد که در این نظریه، فرهنگ در سه سطح وجود دارد: ۱. ظواهر و مصنوعات بشرساز (در سطح ظاهری) ۲. ارزشها و هنجارهای رفتاری (در سطح میانی) ۳. باورها و پیشفرضها (در هسته الگو). به اعتقاد شاین، مهمترین تأثیر هسته مفروضات از دیدگاه «شکل‌دادن فرهنگ»، بر هنجارها، ارزشها و مصنوعات است. براساس نظریه شاین، اگر اعضای هر فرهنگ ارزشها را رعایت، و خود را با هنجارهای فرهنگی منطبق می‌کنند به دلیل باورها و مفروضاتی است که شالوده و زیربنای این هنجارها و ارزشها را تشکیل می‌دهد. هنجارها و ارزشها نیز به نوبه خود، فعالیت‌هایی را تشویق می‌کند که سطح روین فرهنگ، یعنی مصنوعات را به وجود می‌آورد. مصنوعات در واقع توسعه و گسترش بیشتر همان هسته فرهنگی است که محتوای ارزشها و هنجارها است. مظاهر، مصنوعاتی فرهنگی است که در سطح ظاهری هر فرهنگ قرار دارد. مصنوعات بشرساز آثار نمایان و ملموس رفتار متجلی شده در هنجارها و ارزشها و پیش‌فرضهای فرهنگی است (شاین، ۱۳۸۹).

همان‌گونه که شکل شماره ۱ نشان می‌دهد برای سطح باورها سه مضمون ایجاد گفتمان وقف،

اعتمادسازی و بسترسازی وقف، شناسایی و دسته‌بندی شد و مضمونهای پایه متعلق به هر یک از مضمونهای سازمان‌دهنده در سطح باورها به‌نمایش درآمده است.



شکل ۱. شبکه مضمونهای سطح باورها

در سطح ارزشها نیز همان‌طور که در شکل شماره ۲ مشاهده می‌شود سه مضمون تقویت ارزشهای اجتماعی و دینی، توسعه وقف مشارکتی و تکریم واقفان شناسایی و دسته‌بندی شد. مضمونهای پایه متعلق به هر یک از مضمونهای سازمان‌دهنده نیز در شبکه مضمونهای سطح ارزشها به‌نمایش درآمده است.



شکل ۲. شبکه مضمونهای سطح ارزشها

همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، مضمونهای سازمان‌دهنده حذف موانع و تنگناهای وقف، سیاستگذاران و مجریان، گسترش شکلها و زمینه‌های وقف، تخصصی کردن مقوله وقف، اطلاع‌رسانی در مورد وقف، تبلیغات در زمینه وقف و در نهایت بازسازی موقوفات ذیل مضمون فراگیر سطح ظواهر دسته‌بندی شد. مضمونهای پایه متعلق به مضمونهای سازمان‌دهنده نیز در شبکه مضمونهای سطح ظواهر به‌نمایش درآمده است.



شکل ۳. شبکه مضمونهای سطح ظواهر

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه موقوفات از جمله منابع تأمین مالی آستان قدس رضوی است، تلاش در راستای تحقق رسالت‌های این نهاد در دوران جدید فعالیت خود مستلزم اقدامات عملی و آینده‌نگرانه مسئولان و تصمیم‌گیران کلان آن در جهت توسعه فرهنگ وقف بویژه موقوفات جمعی و مشارکتی است. مدیران باید باور داشته باشند که وقف مال مردم است و متولی اصلی وقف، مردم هستند و ادارات و سازمانهای متولی موقوفات دولتی نیستند؛ پس باید از تمرکزگرایی و بلوکه کردن

در آمدها و موقوفات و حتی مصارف شخصی و یا غیر از نیت واقف بشدت خودداری کنند. در یافته‌های تحقیق هم عوامل و مقوله‌های مادی و هم عوامل معنوی و مرتبط با رفتار، گفتار، عملکرد و نگرش انسان در توسعه فرهنگ وقف از مصاحبه‌ها استخراج شد؛ لذا می‌توان عوامل انسانی را، که به خود افراد، چه واقف و چه متولی و مجریان کارهای وقف مربوط می‌شود، مهمترین عوامل تأثیرگذار و نافذ در هر توسعه‌ای بویژه توسعه فرهنگ وقف برشمرد. مقوله‌هایی از قبیل سیاستگذاران و مجریان، اعتمادسازی، ایجاد گفتمان وقف، تکریم واقفان، حذف بعضی موانع انسانی در وقف که در شناسه‌گذاری انتخابی استخراج شد. نباید به واسطه باورها و پیشفرضها از لایه ظاهری مصنوعات بشرساز و نمادین غافل شویم. بنابراین اهمیت سطح مظاهر نیز بیش از پیش مشخص خواهد شد. اگر بخواهیم وقف را توسعه بدهیم، مسلماً باید روی سطح ظواهر و مصنوعات نیز کارهای بنیادی انجام شود. شاید بدین دلیل باشد که عموماً مردم به دنبال استدلال و تعمیق بینش‌ها و باورها نیستند، بلکه بیشتر دنبال الگوهای خوب و مناسب هستند؛ مانند الگوهای یک قصه که برای مخاطب کودک، رفتار قهرمان آن داستان برایش یک الگو می‌گردد. به همین دلیل نتیجه بزرگی که می‌توان گرفت این است که صرفاً پرداختن به تقویت اعتقادات و ورود از باب یادآوری معاد و تقویت میل به جاودانگی و کمال‌طلبی، راه‌حل مطلوب به نظر نمی‌رسد، بلکه می‌توان با ارائه الگوهای مناسب و مطلوب از واقفان محترم برای اقشار مختلف مردم بویژه نسل جوان زمینه لازم الگوبرداری از سنت حسنه وقف در وجودشان به صورت گفتار و رفتار و به مرور زمان به بینش و منش در شخصیت‌هایشان تبدیل شود. به میزان توفیق در این زمینه، فرهنگ ماندگار سنت حسنه وقف به باوری عمیق در نسل‌های آینده تبدیل خواهد شد؛ لذا مصنوعات بشرساز و توجه به ظواهر در سه لایه ظواهر کلامی، رفتاری و نمادی از اهمیت ویژه‌ای در توسعه طبیعی فرهنگ وقف در زندگی همه اقشار جامعه بویژه در راستای رفع نیاز مستمندان و تهیدستان براساس منویات مقام معظم رهبری در منشور هفتگانه برخوردار است.

پیشنهادها

در سطح پیشفرضها و باورها موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

ایجاد کرسیهای فکری و آزاداندیشی و گفتمانهای دینی در حوزه وقف براساس شرایط و

نیازهای جامعه

رفع ابهامها، چالشها و دغدغه‌های پیش‌روی واقفان و تغییر و اصلاح نگرش و باورهای مردم و

ایجاد اعتماد نسبت به مسئولان وقف

ایجاد زمینه‌های فکری و تربیتی در نسل جدید با اختصاص دادن چند صفحه از کتابهای درسی به وقف و برکات و شیوه‌های جدید وقف در راستای رفع نیاز مستضعفان و تهیدستان شناساندن مسائل و مشکلات جامعه بویژه حاشیه شهرها و محرومان به مردم و نیز تبیین راهکارهای اساسی حل این مشکلات از طریق وقف و درآمدهای موقوفه‌ها توسط مسئولان این حوزه

تبیین سنت حسنه وقف به عنوان سازوکاری برتر در زمینه تأمین مالی در ساختار اقتصادی کشور و فرهنگ سازی اعتقادی به منظور پذیرش سرمایه گذاری در مؤسسات مالی وقف به عنوان عمل خیر که تأثیرات و ثمرات خیر دنیوی و اخروی برای مؤمنان دارد.

در سطح ارزشها و هنجارها موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

ارتباط بیشتر و مؤثرتر با خیران واقف و رفتن به منزل ایشان و سرزدن به موقوفات واقفان با هدف حفظ کرامت و عزت و شخصیت آنان قبل و بعد از وقف به عنوان یک ارزش انسانی و اخلاق دینی

بیان شفاف مصداقهای گوناگون وقف بین مردم متناسب با نیازهای جامعه و راهکارهای دینی به منظور رفع مشکلات مستمندان با وقف با هدف پذیرش وقفهای کوچک و مشارکتی و تبدیل آنها به ارزش و هنجارهای عارفی و اجتماعی شناخته شده و ملموس در جامعه زنده گردانیدن روحیه انفاق، بخشش، بزرگواری و عزت نفس دینی در میان قشرهای مختلف مردم باعث تقویت میل فطری به جاودانه زیستن و ردپا گذاشتن از خود پس از مرگ می‌شود و باقیات صالحات را گسترش خواهد داد.

کمرنگ کردن روحیه تجمل گرایی و زیاده خواهی و مال اندوزی و پررنگ کردن فرهنگ قناعت به عنوان ثروت تمام نشدنی و پر برکت عامل اساسی تقویت روحیه انفاق و صدقه و وقف کردن است.

در راستای حفظ کرامت واقفان و شناساندن آنها و تشویق رفتار خداپسندانه و خیرخواهانه وقف پیشنهاد می‌شود بعضی از خیابانها و اماکن عمومی و مذهبی حتی مساجد و مؤسسات فرهنگی به نام واقفان بزرگ، نامگذاری شود.

در سطح ظواهر و مصنوعات بشرساز موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

جستجو و به کارگیری راهکارها و الگوی استفاده از وقف به عنوان سازوکار برتر تأمین مالی در ساختار اقتصادی کشور و استفاده از موقوفات مختلف اقشار مردم در جهت تأمین مالی طرحهای عام‌المنفعه به منظور رفع فقر و ایجاد زمینه‌های رشد اقتصادی کشور با استفاده از سرمایه‌گذارهای مردم در مؤسسات مالی وقف

تهیه، تولید، چاپ، خرید، توزیع و تخصیص کتابهایی در حوزه وقف توسط سیاستگذاران و مجریان موقوفات به منظور اطلاع‌رسانی شفافتر به مردم

تهیه و تولید محتواهای چندرسانه‌ای، فیلمها، سریالها، کلیپها، موسیقی‌ها و سرودهای اختصاصی در حوزه وقف به منظور تبلیغات و آگاه‌سازی و بینش‌افزایی اقشار مختلف جامعه دینی تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های جدید در حوزه وقف برای رفع مقررات دست‌وپاگیر و فرسایشی و آسان‌سازی اجرای تمام مراحل وقف یعنی از مرحله نیت و قبل از وقف تا در طول مدت بهره‌برداری از عواید موقوفات

طراحی نظام جامع فرصت‌یابی و هدایت خلاقانه و نوآورانه مبنی بر تحول بنیادین در حوزه وقف و واقفان با بازنگری، اصلاح و بهبود فرایندها در مضمون‌هایی چون وقف و بازار سرمایه، سهم موقوفات در اقتصاد بدون نفت، الزامات تبدیل بقاع متبرک به قطب فرهنگی، نقش ارتقای بهره‌وری موقوفات در تولید ملی، بررسی نقش بقاع و اماکن متبرک در گردشگری مذهبی و زیارتی، نقش وقف در کارافرینی، نقش وقف در ارتقای سلامت، نقش وقف در تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، نقش وقف در ایجاد و حفظ آثار اسلامی و تاریخی، نقش وقف در حفظ محیط زیست، نقش بقاع متبرک در اقتصاد و اشتغال، نقش بقاع در ارتقای سلامت

از محدودیتهای این پژوهش، مشکل عدم دسترسی آسان به کارشناسان و خبرگان فعال در زمینه وقف و موقوفات بوده است. این مشکل در مورد تبادل نظر بیشتر در مراجعات بعدی به آنان به منظور بررسی و افزایش امکان اعتماد پژوهش، بیشتر نمود می‌یافت.

با توجه به نتایج پیشنهادهای زیر به پژوهشگران علاقه‌مند ارائه می‌شود:

اولویت‌بندی پیشنهادهای این پژوهش برای استفاده مسئولان

بررسی عوامل مؤثر شناسایی شده در پژوهش به صورت کمی

منابع فارسی

- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). انتصاب حجت‌الاسلام رئیسی به تولیت آستان قدس رضوی. قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=32521>
- بزرگی، مهدی (۱۳۷۹). راه‌های ترویج فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات جدید در جامعه. مجله وقف میراث جاویدان. ش ۳۰: ۱۱۷ - ۱۰۶.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۸). نقش وقف در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی. حقوق اسلامی. دوره ۶. ش ۲۲: ۶۴ - ۳۷.
- حائری‌یزدی، محمدحسن (۱۳۷۸). تأثیر وقف بر اقتصاد اسلامی. فصلنامه مشکوه. مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. ش ۶۵ - ۶۲.
- خنیفر، حسین؛ زروندی، نفیسه (۱۳۸۹). پژوهشی کیفی: رهیافتی نو در مطالعات مدیریت، راهبرد. دوره ۱۹. ش ۵۴: ۲۵۶ - ۲۴۳.
- دادگر، یدالله؛ سعادت‌فر، جواد (۱۳۸۶). امکان‌سنجی وقف پول ابزاری جدید در توسعه ادبیات و فعالیتهای اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. دوره ۷: ۱۲۳ - ۱۰۹.
- درخشه، جلال؛ افتخاری، اصغر؛ ردادی، محسن (۱۳۹۴). تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. جستارهای سیاسی معاصر. دوره ۶. ش ۳: ۷۲ - ۵۳.
- دهقان، مرضیه (۱۳۸۴). نقش نهاد وقف و دگرگونیهای اجتماعی و فرهنگی شهر مشهد در دوره صفوی. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- رضایی، مهدیه؛ صدری، محمد؛ آقاجانی‌قناد، محمدرضا (۱۳۹۲). وقف پول. نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی. دوره ۴۶. ش ۲: ۲۷۷ - ۲۶۱.
- ریاحی‌سامانی، نادر (۱۳۸۸). چگونه وقف کنیم؟ فصلنامه وقف میراث جاویدان. دوره ۱۷. ش ۶۸: ۶۵ - ۵۵.
- سیدحسینی، سیدمحمد؛ ابراهیمی‌سالاری، تقی؛ مظلوم‌خراسانی، آزاده (۱۳۹۲). بهبود روشهای مدیریت در سازمان اوقاف و اثر آن بر افزایش بهره‌وری در حوزه وقف. مدیریت اسلامی. دوره ۲۱. ش ۱: ۱۲۵ - ۱۰۵.
- شاین، ادگار (۱۳۸۹). فرهنگ سازمانی. ترجمه محمدابراهیم محجوب. تهران: نشر فرا.
- صفایی‌پور، مسعود؛ سیاحی، زهرا؛ زرگوشوشتری، محمدمین؛ داری‌پور، نادیا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز، مطالعه موردی: منطقه یک. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. دوره ۵. ش ۱۶: ۱۰۴ - ۸۹.
- عابدی‌جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضمونها: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی. دوره ۵. ش ۲: ۱۹۸ - ۱۵۱.
- عرب، حمیدرضا (۱۳۸۵). فرهنگ وقف و قشربندی اجتماعی واقفان در شهرستان اراک. میراث جاویدان. ش ۵۴:

۱۱۲ - ۱۰۲.

فلاح، ابراهیم (۱۳۹۰). نقش وقف در فقرزدایی از جامعه. تهران: انتشارات میراث جاویدان.
فیضی، کامران؛ سرکسیان، آقرد (۱۳۸۷). تجزیه و تحلیل معیارهای کیفیت در روشهای تحقیق کیفی. فصلنامه مطالعات جهانگردی. ش ۸: ۲۳ - ۱.

قربانی، اکرم (۱۳۹۲). طراحی و تدوین راهکارهای مبارزه با وقوع تخلفات و جرائم و بررسی علل و عوامل آن در کاهش نقش و جایگاه وقف در حوزه‌های اجتماعی. فرهنگی و اقتصادی استان خراسان شمالی. مرادیان، معصومه (۱۳۹۲). طراحی و تدوین راهکارهای ایجاد وقف‌های جدید با توجه به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استان خراسان شمالی.

مرکزی‌امیدوار، احسان (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر تمایل رفتاری مردم مشهد نسبت به سنت وقف. پایان‌نامه دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا علیه‌السلام.

موسوی‌داودی، سیدمهدی؛ حضوری، محمدجواد؛ نجاری، رضا؛ رستگار، عباسعلی (۱۳۹۵). طراحی و تبیین الگوی ارزشهای سازمانی مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه. مدیریت سازمانهای دولتی. دوره ۵. ش ۱: ۴۸ - ۳۳.
میراحمدی، مریم (۱۳۷۱). پژوهشی در موقوفات عصر صفوی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ش ۲۷: ۲۳۶ - ۲۱۷.

میرافخمی، سعیده (۱۳۸۳). آثار تربیتی و اجتماعی وقف. قم.

نادعلی، حسین (۱۳۹۱). بررسی موقوفات شهرستان شاهرود. پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود. پژوهشکده تاریخ.

منابع انگلیسی

- Attride-Stirling, Jennifer. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research, *Journal of Qualitative Research*, Vol 1, No. 3. Pp 385-405.
Connolly, S. and Manroe, A (1999). *Economics of Public Sector*, Harlow, Prentice Hall, pp: 36.
Schein, E. H. (1990). Organizational culture (Vol. 45, No. 2, p. 109). American Psychological Association.
Schein, E. H. (2010). *Organizational culture and leadership* (Vol. 2). John Wiley & Sons.

